**تربیت ملی**

**فروغی، محمد علی**

...افراد مردم ایران مطلقا یک منظور و مطلوب دارند و آن پول است و برای‏ تحصیل پول از هرطبقه و جماعت و صنف باشند گذشته از دزدی و مسخرگی و هیزی‏ فقط یک راه پیش گرفته‏اند که به اسامی مختلف آنتریگ‏بازی و حقه‏بازی و تملق‏ و هوچیگری و شارلاتی و غیره خوانده می‏شود و اسم جامع آن بی‏حقیقتی است و از این جهت است که ایرانی‏ها هیچ‏وقت با هم اتحاد و اتفاق نمی‏کنند.نمی‏دانند هیچ‏وقت بی‏حقیقتی و نفاق هیچ قومی را به جائی نرسانده و هروقت هرملتی به‏ مقامی رسیده امری معنوی را در نظر داشته و حقیقت‏طلبی و فداکاری و همت و غیرت‏ و شهامت او را به حرکت آورده و به اتفاق و اتحاد مطلوب خویش را حاصل نموده است.

اگر بپرسید چه باید کرد و چاره چیست بی‏تأمّل عرض می‏کنم باید ملت را تربیت کرد.

البته اهمیت تنظیم مالیه و تقویت قشون و ترقی اقتصادیات را از نظر نباید دور داشت چه همان‏طور که مادیات به تنهائی برای ارتقای یک ملت کفایت نمی‏کند معنویات هم به تنهائی کافی نیست.و لیکن باید دانست که تا ملت تربیت نشود هرچه‏ سعی در ترقی مادیات آن کنند به جایی نمی‏رسد و عینا مانند احوال پدرهائی است‏ که برای اولاد خود مال و دولت فراوان به ارث می‏گذارند و آنها را تربیت نمی‏کنند، چه بسیار دیده‏ایم که آن اموال را فرزندان ناقابل به اندک‏زمانی به باد می‏دهند ولی اولادی که تربیت شده و قابلیت دارند از پدر هم که ارثی نبرند خودشان تحصیل‏ مال می‏کنند و شاهد دیگری که دارم اینست که در زمان جنگ بین الملل چندین‏ ملیون پول از خارجه به ایران آمد و لیکن چون ملت مستعد نبود در ظرف مدت قلیلی‏ آن پول‏ها به خارجه برگشت و مطلب قابل انکار نیست و حاجت به بسط کلام ندارد.

(\*)-از کتاب مقالات فروغی جلد دوم.

اما تربیت ملّت قسمت مهمی از آن البته به نشر معارف است به وسایلی که‏ دائما گفته می‏شود:تکثیر و تأسیس مدارس و مؤسسات و مجامع و مجلات علمی‏ و ادبی و صنعتی،ترجمه و تألیف و طبع کتب مفیده،طلبیدن معلمین خارجی، فرستادن جوان‏های مستعد به خارجه،تشویق و تجلیل ارباب کمال و قس علی ذلک‏ و یقین است که در این باب مسامحه جایز نیست.اما امروزه این اقدامات هم کفایت‏ نمی‏کند و مهمتر از این‏ها آنست که فکری برای تقویت مایهء اخلاقی ملت بشود.

در این دوره وقتی که ما از اخلاق سخن می‏گوئیم رندان در دل استهزا می‏کنند و حتی به زبان می‏آورند و اگر بخواهند به معقولیت حرف بزنند می‏گویند اینها صوفی و درویش یا موهوم پرست‏اند و رضای خاطر خدا و پیغمبر را در نظر دارند، آخرت را می‏خواهند و از بهشت و دوزخ می‏ترسند.لازم نمی‏دانم داخل این بحث‏ شده توضیح کنم که چنین نیست.رضای خاطر خدا و پیغمبر لازم باشد یا نباشد موضوع‏ دیگری است و این حرف‏های ما برای آخرت نیست صرف مصلحت دنیوی خود را در نظر داریم و در این باب هیچ‏کس از جهت فرنگی‏مآبی و تجدد به من نمی‏رسد الا این‏که من وقتی که به اوضاع فرنگستان نگاه می‏کنم آکادمی‏ها و مدارس عالیه‏ و کارخانه‏های صنعتی و تآترهای اخلاقی و موزه‏ها و لابراتوارها و حکما و علما و ادبا و هنرمندان را می‏بینم،مدعیان من قهوه‏خانه‏ها و فاحشه‏خانه‏ها و رقاص‏خانه‏ها را تماشا می‏کنند که نسبت به آن مؤسسات عالیه در اقلیت ضعیفی هستند و غالبا هم اهل خود فرنگستان در آنجا آمدورفت نمی‏کنند و تلهء پول برای خارجی‏هاست.

شیخ سعدی شیرازی

نوروز\*

مبارک‏تر شب و خرم‏ترین روز به استقبالم آمد بخت پیروز دهل‏زن گو دو نوبت‏زن بشارت‏ که دوشم قدر بود امروز نوروز مه است این یا ملک یا آدمی‏زاد پری یا آفتاب عالم‏افروز ندانستی که رندان در کمین‏اند نکو کردی علی‏رغم بدآموز مرا با دوست ای دشمن وصال است‏ تو را گر دل نخواهد دیده بر دوز شبان دانم که از درد جدائی‏ نیاسودم ز فریاد جهان‏سوز گر آن شبهای با وحشت نمی‏بود نمیدانست سعدی قدر این‏روز

(\*)-این غزل در نسخه‏های قدیم کلیات شیخ سعدی اولین غزل طیبات است.